

بررسی سنجش ظرفیت پذیرش گردشگری شهری و مدل سازی شهرهای گردشگری پایدار از بعد کالبدی (نمونه موردی منطقه ۱۲ تهران)

محمد شعبانی فرد: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران
احمد پوراحمد: استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران
علی حسینی: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران
مصطفی رشیدی: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

چکیده:

در دهه های اخیر رشد و توسعه صنعت گردشگری و اتخاذ آن به عنوان یکی از فعالیت های عمده اقتصادی از طرف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، برنامه ریزان را بر آن داشته تا جهت توسعه فعالیت های گردشگری به دو مقوله مهم توجه نمایند: اول افزایش کیفیت تجربه گردشگری، دوم تلاش در جهت حفظ منافع جوامع میزبان. دور از ذهن نیست که دستیابی به این دو مهم تنها از طریق شناسایی، تعیین و ارتقاء ظرفیت پذیرش گردشگری در راستای توسعه پایدار این مقاصد گردشگری میسر می گردد. در این مطالعه هدف سنجش و ارتقاء ظرفیت پذیرش گردشگری در منطقه ۱۲ تهران در راستای توسعه پایدار گردشگری بوده، در این راستا تجزیه و تحلیل داده ها از طریق مدل اتحادیه جهانی حفاظت از محیط طبیعی در سه بعد فیزیکی، واقعی و موثر جهت سنجش ظرفیت پذیرش و کیفیت تجربه گردشگری انجام گرفت. نتیجه این تحقیق نشان می دهد که حجم گردشگران ورودی به این منطقه بیش از ظرفیت پذیرش بالفعل این منطقه از شهر می باشد و روند توسعه گردشگری در این منطقه با توجه به ظرفیت پذیرش تعیین شده شکلی ناپایدار دارد.

از این رو در انتهای این تحقیق پیشنهاداتی نیز جهت ارتقاء ظرفیت پذیرش در راستای توسعه پایدار گردشگری در این مقصد ارائه گردید.
کلید واژگان: ظرفیت پذیرش گردشگری، توسعه پایدار، گردشگری پایدار.

مقدمه:

برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در جهت رسیدن به کمال مطلوب و نهایی خویش - که همان توسعه پایدار، ایجاد تعادل و توزیع همگن منابع و امکانات بوده - با علوم مختلفی از قبیل محیط زیست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و... ارتباطی تنگاتنگ دارد. از جمله علمی که امروزه با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ارتباطی روزافزون یافته، گردشگری است. چرا که باتوجه به بالا رفتن فشارهای عصبی ناشی از آلودگی هوا، ترافیک، زندگی در خانه‌های کوچک و آپارتمانی و محلات شلوغ شهرهای بزرگ و همچنین بالا رفتن درآمد نسبی مردم ساکن در آنها، گرایش به گردشگری در مناطق بیلاقی خوش و آب و هوا برای گذراندن اوقات فراغت و افزایش داشته است و پیش بینی می‌شود رشد آن در سالهای آینده فزونی یابد.

در دهه های اخیر رشد و توسعه صنعت گردشگری و اتخاذ آن به عنوان یکی از فعالیت‌های عمده اقتصادی از طرف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و رقابت مقاصد عمده گردشگری در جهت جذب گردشگران، برنامه‌ریزان را بر آن داشته تا جهت افزایش درآمدهای حاصله از فعالیت‌های گردشگری به دو مقوله مهم توجه نمایند: اول افزایش رضایت گردشگران و ارتقای لذت و کیفیت تجربه گردشگری دوم تلاش در جهت حفظ منافع جوامع میزبان (Inskoop 1991: 15).

دور از ذهن نیست که دستیابی به این دو مهم تنها از طریق شناسایی، تعیین و ارتقاء ظرفیت پذیرش گردشگری این مقاصد میسر می‌گردد. زیرا توسعه فعالیت‌های گردشگری بیش از ظرفیت پذیرش این مقاصد، باعث کاهش کیفیت تجربه گردشگری و افول میزان رضایت جوامع میزبان و نارضایتی آنان از توسعه فعالیت‌های گردشگری می‌گردد. گردشگران نقاط مختلفی را به عنوان مقاصد گردشگری مورد توجه قرار می‌دهند،

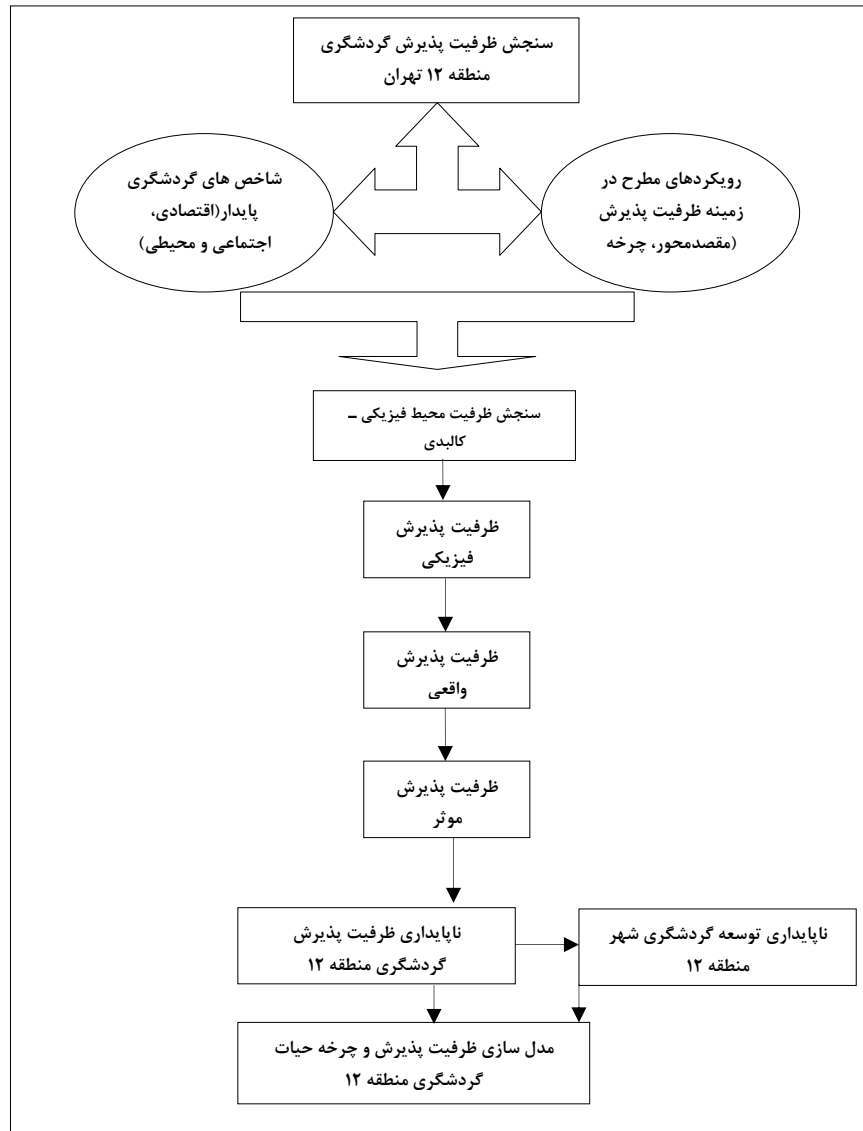
از مناطق بکر طبیعی تا سایت‌های تاریخی و فرهنگی تا نمایشگاه‌ها و فستیوال‌ها؛ و تمامی این مقاصد از محیط طبیعی ویژه و خاص خود برخوردار بوده و غالب آنها نیز از جمعیتی در حوزه نفوذ عملکردی و توزیعی خود برخوردارند که این دو محیط یعنی محیط طبیعی و انسانی این مقاصد متاثر از توسعه فعالیت‌های گردشگری خواهند بود. اگر شکل توسعه فعالیت‌های گردشگری ناپایدار بوده و منطبق با ظرفیت پذیرش محیطی و انسانی این مقاصد نباشد دیر یا زود این مقاصد با افول بازار گردشگری روبرو خواهند شد و گردشگری این مقاصد از رونق خواهد افتاد (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۸).

گردشگران مقاصد مختلفی را جهت گذران فراغت و بازدید انتخاب می‌کنند. این مقاصد شامل مناطق سکونتگاهی و یا غیرمسکونی می‌گردند. مناطق غیرسکونتی مانند کوه‌ها و قله مرتفع، جنگل‌ها، دریاچه‌ها، مناطق ویژه زمین‌شناسی و... است که در صورت افزایش فعالیت‌های ناپایدار گردشگری ممکن است یکپارچگی محیطی این مقاصد دستخوش تغییراتی گشته و ظرفیت پذیرش گردشگری آنها از ابعاد اکولوژیکی کاهش یابد (Sun and Wash, 1998: 145).

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است این بوده که ظرفیت پذیرش گردشگری این مقاصد تنها مربوط به ظرفیت اکولوژیکی منطقه است. اما امروزه یکی از مقاصد مهمی که در گردشگری مورد توجه قرار گرفته‌اند شهرها و روستاهای ییلاقی و خوش آب و هوا هستند که شکلی از توسعه گردشگری در ابعاد مختلف گردشگری طبیعت-گردی، فرهنگی و گردشگری ویژه در این نقاط در حال رخ دادن است و این مقاصد برخلاف سایر مقاصد گردشگری طبیعی از جمعیت انسانی برخوردار بوده و همین موضوع اهمیت ظرفیت پذیرش گردشگری را چندان می‌نماید (Hall and et al, 1999:327). اما نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است بی‌توجهی طرح‌های فرادست و کلان از قبیل طرح‌های جامع، هادی و تفصیلی این‌گونه نقاط به مواردی از قبیل اهمیت برون‌دادهای گردشگری و تاثیرات فعالیت‌های گردشگران بر محیط این گونه مقاصد، نحوه افزایش میزان رضایت گردشگران از تجربه گردشگری، افزایش حداکثر کارایی

گردشگری منطبق با خواسته های اهالی و ساکنان بومی بوده و توجه صرف این گونه طرح ها به توسعه کالبدی این شهرها است. بایستی توجه داشت که در این نقاط نیز اگر گردشگری در راستای اهداف و برنامه های توسعه پایدار حرکت نماید شکلی از توسعه بی برنامه گردشگری در این نقاط رخ خواهد داد که باعث تخریب محیط طبیعی و انسانی این شهرها و کاهش ظرفیت پذیرش این نقاط می گردد (Fernando, Yeamduan, Daniel, 2003: 21). نمونه موردی این تحقیق منطقه ۱۲ تهران می باشد که با توجه به پیشینه تاریخی به عنوان ویتترین تاریخی تهران و همچنین وجود جاذبه های متعدد از جمله بازار، ارگ تاریخی، بناها و ابنیه قاجاری و پهلوی و... مورد توجه گردشگران بسیاری در سطوح مختلف محلی، ملی و بین المللی قرار دارد. اما بنظر می رسد این مقصد مهم گردشگری نیز بمانند دیگر مقاصد پراهمیت گردشگری کشور، در طی دهه های اخیر بصورت نامدون و بدون برنامه رشد یافته و در صورتی که چنین روندی طی گردد در طی سالهای آتی با مشکلات عدیده ای مواجه گردد. همان طور که ذکر گردید از جمله مباحث بسیار مهم و کلیدی که امروزه در غالب مقاصد گردشگری مورد توجه اندیشمندان و برنامه ریزان قرار گرفته است توجه به ظرفیت پذیرش گردشگری در راستای توسعه پایدار در این مقاصد است که بایستی متناسب با ویژگی های محیطی، انسانی و حتی توان مدیریت گردشگری مقصد باشد (زاهدی ۱۳۸۲، ۹۱). از این رو در این نوشتار نیز جهت برداشتن گامی در راستای توسعه گردشگری پایدار در این شهر هدف محاسبه ظرفیت پذیرش گردشگری، سنجش پایداری توسعه گردشگری و ارتقاء توان ظرفیت پذیرش گردشگری می باشد.

در این پژوهش جهت دستیابی به نتایج فوق که مدل مفهومی تحقیق در پی دستیابی بدان می باشد. ابتدا با بررسی ادبیات موضوع و اسناد و تحقیقات مرتبط با موضوع یا محل تحقیق، یک پایه تئوریک فراهم شد و با مشخص شدن ابعاد و شاخص های مربوط، چارچوب تحلیلی تحقیق هر چه بیشتر روشن شد. شکل ۱ مدل مفهومی تحقیق را نشان می دهد.



شکل شماره (۱) مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: نویسندگان ۱۳۸۹)

ظرفیت پذیرش

سازمان جهانی گردشگری ظرفیت پذیرش را چنین معرفی می کند «سطحی از استفاده بازدیدکنندگان در یک ناحیه که می توانند تجمع یابند» (Buckley, 1999: 706) علی رغم این ملاحظات بسیاری از نویسندگان موافقند که ظرفیت پذیرش اساساً یک جنبه اکولوژیکی است که رابطه بین جمعیت و محیط طبیعی را بیان می کند (Abernethy, 2001: 9) در این باره بوکلی (Buckley, 1999: 706) ظرفیت پذیرش گردشگری را چنین تعریف می کند «تعدادی از بازدیدکنندگان که هیچ گونه تخریب یا تغییر اکولوژیکی غیر قابل برگشت را برای یک اکوسیستم در درون یک ناحیه تولید نمی کند.

حداکثر سطح استفاده از تفرجگاه در قالب تعداد و فعالیت‌هایی که می تواند توسط یک ناحیه یا یک اکوسیستم - قبل از کاهش غیر قابل قبول یا برگشت ناپذیر در ارزش های اکولوژیکی - تحمل گردد» (Papageorgiou & Brotherton, 1999: 271).

منظور از ظرفیت پذیرش یک منطقه گردشگرپذیر، تعداد گردشگرانی است که آن منطقه می تواند در یک ظرف زمانی معین (روز، ماه، سال) بپذیرد. این ظرفیت به وسعت و توپوگرافی منطقه، نوع خاک، نحوه رفتار جانوری، میزان و کیفیت تسهیلات گردشگری موجود در منطقه بستگی دارد (زاهدی، ۱۳۸۲، ص ۹۹).
تعداد افراد استفاده کننده و مدت زمان استفاده که یک سایت تفریحی می تواند فراهم کند در هر سال بدون بوجود آمدن تخریب فیزیکی و زیست محیطی آن سایت به گونه ای که کیفیت تجربی آن سایت از دیدگاه گردشگران نیز کاهش نیابد (Baud-bovy 1977: 184).

مفاهیم و ویژگیهای ظرفیت پذیرش گردشگری

مفهوم ظرفیت پذیرش گردشگری در طی دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات بسیار مهم در برنامه‌ریزی فضایی تبدیل شده است و مانند بسیاری از دیگر ابزارهای

برنامه‌ریزی، وسیله‌ای است در جهت ارتقای کیفیت زندگی جوامع مقصد و ارتقای حس تجربه گردشگری گردشگران؛ دستیابی به این مهم ارتباطی تنگاتنگ با توسعه پایدار و ابزارهای دستیابی به آن دارد. پس ارتباط ظرفیت پذیرش مقاصد گردشگری و گردشگری پایدار را این گونه می‌توان تفسیر نمود که مفهوم ظرفیت پذیرش گردشگری در یک جمله کلی عبارت است از هر نوع شکلی از توسعه در داخل ظرفیت پذیرش اکوسیستم، که این همان معنای توسعه پایدار است که با مفهوم کلی توسعه پایدار - شکلی از توسعه که از اکوسیستم‌های طبیعی به عنوان یک منبع تولید و مصرف استفاده نموده به گونه ای که بدون تغییر برای نسل بعد باقی بماند - همخوانی دارد. یا به عبارت دیگر توسعه در حد ظرفیت پذیرش محیط (Saveriades, 2000: 148).

هر منطقه توانایی محدودی در جذب گردشگر و رشته فعالیت‌های مربوط به آن را دارد که این محدودیت‌ها را غالباً با تکنیک ظرفیت پذیرش در چهارچوب نظریه توسعه پایدار گردشگری تعیین می‌کنند. اما قبل از هر چیز این نکته قابل ذکر است که ارایه تعریفی مشخص و قابل درک از ظرفیت پذیرش گردشگری TCC نیازمند بررسی آن به عنوان یک فرایند در درون فرایند برنامه ریزی توسعه گردشگری می باشد. این مقوله دارای دو فرایند موازی و تکمیلی است که می‌تواند یک چهارچوب کلی جهت راهنمای جوامع محلی، برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان باشد. برای این که بتوان از ظرفیت پذیرش به عنوان یک چارچوب مناسب استفاده کرد لازم است اولاً ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی منطقه مورد بررسی قرار گیرد معیارها و شاخص‌هایی برای هر یک در نظر گرفته شود و مشخص گردد که ظرفیت پذیرش در هر مورد چقدر است ثانیاً مدیران و مسئولان بتوانند در موارد لزوم میزان دسترسی به مناطق مورد نظر را محدود کنند بدین معنا که از نظر قانونی اجازه ایجاد محدودیت را داشته باشند و از نظر امکانات مورد نیاز برای اعمال کنترل موثر در مضیقه نباشند به این ترتیب با توجه به ظرفیت پذیرش مناطق گردشگری می‌توان با برنامه ریزی صحیح از یک سو از امکانات این مناطق بهره گرفت و از سوی دیگر مانع وارد آمدن خسارات جبران ناپذیر بر خاک، آب، هوا، رفتار جانوری و گیاهی در این مناطق شد.

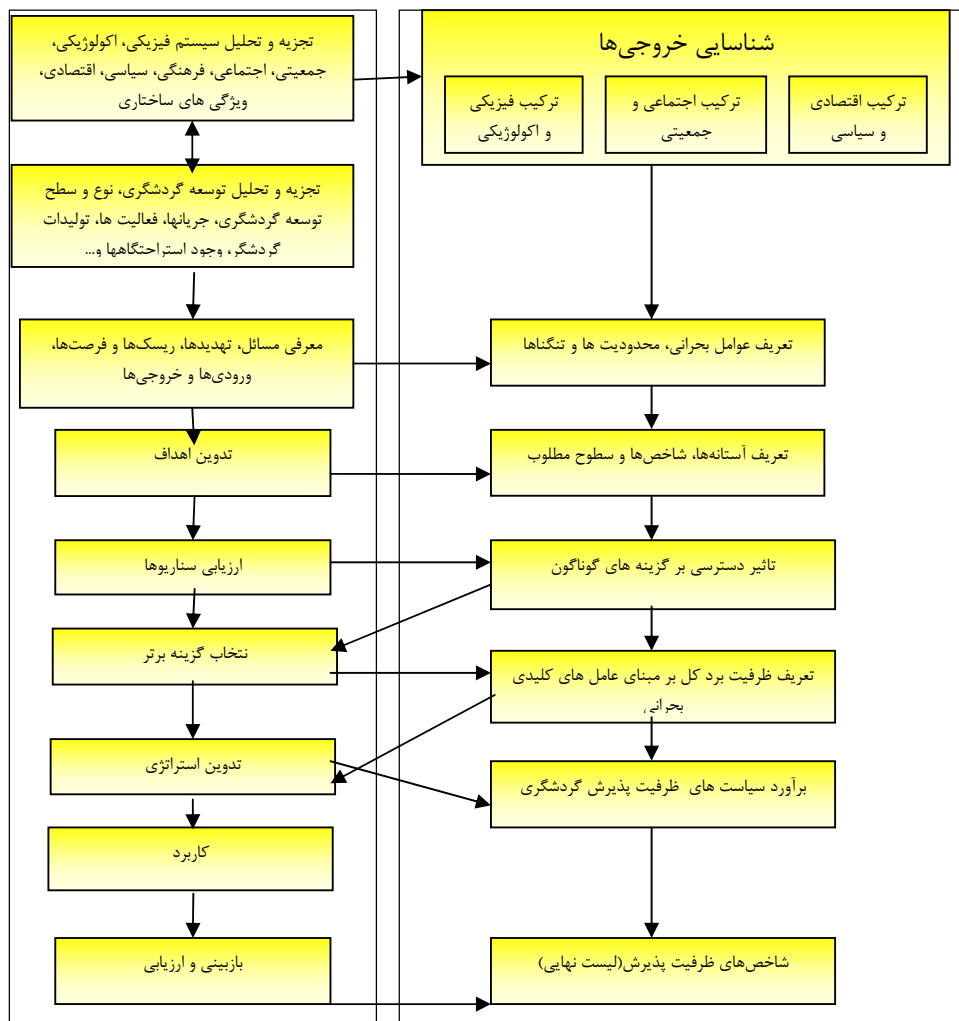
تعیین ظرفیت پذیرش، فاکتور مهمی برای طراحی تسهیلات گردشگری است. در صورتی که کیفیت محیط زیست انتظارات گردشگران را برآورده نکند آنها ممکن است الگوی مسافرت خود را تغییر دهند (Inskeep, 1987: 144).

ماتیسون و ول ظرفیت پذیرش را از ابعاد محیطی و تجربی با ارزیابی تاثیرات فیزیکی گردشگری بر روی یک مقصد تعیین کردند. (Mathieson and wall, 1982:184).

در واقع شاخص‌های گردشگری رابطه کلی گردشگری و محیط، تاثیر عوامل محیطی بر فعالیت گردشگری، تاثیر صنعت گردشگری بر روی محیط و واکنش مورد نیاز جهت ارتقاء و حفاظت وضعیت سیستم در جهت پایداری در مکان‌های مختلف گردشگری را فراهم می‌آورد. شاخص‌های ظرفیت پذیرش گردشگری به دنبال تشریح فشارها، آستانه‌ها، وضعیت سیستم و اثرات آن بر روی گردشگری می‌باشد. شکل شماره ۲ شمای کلی از رابطه بین شاخص‌های توسعه پایدار، شاخص‌های گردشگری پایدار و شاخص‌های TCC را نشان می‌دهد. که هر سه نوع شاخص رابطه متقابل و تنگاتنگی با هم دارند و در عین حال که باید به ارتباط بین آنها توجه نمود به طور مداوم در هر مرحله مورد ارزیابی و بازنگری در جهت نیل به توسعه گردشگری پایدار قرار می‌گیرند. بنابراین ظرفیت پذیرش، مبنایی است برای طرح ریزی نحوه بهره برداری از محل تفریحی که نسبتی از امکانات را برای مهیا کردن شرایط بهینه تفرجگاهی فراهم می‌آورد. در بیشتر مناطق ظرفیت پذیرش می‌تواند بدون وارد آوردن خساراتی توسط مدیریت محل تفریحی (زون بندی منطقه، محدودیت تعداد فعالیت‌ها، جانشین سازی و تعویض) با تهیه و تدارک امکانات نگهداری (مراکز بازدید، امکانات حمل و نقل عمومی و موزه‌ها) افزایش یابد (Coccosis H, Maxa A, 2002: 57).

همان گونه که در شکل شماره ۲ قابل مشاهده است چهارچوب مذکور شامل اصول، اهداف و سیاست‌هایی است که جهت تدوین برنامه گردشگری در یک ناحیه ای

که به لحاظ ویژگی های خاص خود دارای ظرفیت محلی گردشگری پایدار می باشد
بکار می رود (Coccossis H. Maxa A, 2002: 37).



شکل شماره (۲) ظرفیت پذیرش به عنوان بخشی از فرایند برنامه (Coccossis H. Maxa A, 2002: 37)

سنجش ظرفیت پذیرش گردشگری نه به صورت یک مفهوم علمی یا یک فرمول برای بدست آوردن یک رقم دقیق تعداد گردشگر بلکه به عنوان یک ابزار مدیریتی انعطاف پذیر برای توسعه گردشگری به کار گرفته می شود. سازمان جهانی گردشگری اولین پیشنهاد را در ارتباط با یک تعریف قابل اعمال از ظرفیت پذیرش گردشگر ارائه نمود که توسط بسیاری از سازمانها پذیرفته شده و چنین بیان می کند که TCCA حداکثر تعداد افرادی است که می توانند از یک مقصد گردشگری دیدن نمایند همچنین باعث شوند که تخریب محیط فیزیکی اقتصادی و اجتماعی فرهنگی انجام شود (PAP/RAC, 1997).

مولفه ها و ویژگیهای اصلی شکل دهنده ظرفیت پذیرش

- معیارهای اندازه گیری ظرفیت پذیرش

در تعیین ظرفیت پذیرش دو جنبه باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. محیط بومی (اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی): هر دو جنبه طبیعی و انسان ساخت محیط را در بر می گیرد و ظرفیتی است که بدون ایجاد صدمه به محیط طبیعی و انسان ساخت و نیز بروز مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای مردم محلی می توان به آن دست یافت و در عین حال تعادل مناسبی میان توسعه و حفاظت محیط زیست برقرار کرد.
۲. تصویر ذهنی و محصول گردشگری: به تعداد گردشگری اشاره دارد که با تصویر ذهنی محصول گردشگری و تجارب محیطی و فرهنگی که گردشگر به دنبال آن است همخوانی دارد. اگر ناحیه توسعه گردشگری اشباع شود، ممکن است جاذبه هایی که گردشگر می خواهد آنها را تجربه کند، خراب شوند و لطمه ببینند و به تدریج مقصد، کیفیت و محبوبیت خود را از دست بدهد.

– استانداردها، معیارها و ضوابط در مبحث ظرفیت پذیرش

ظرفیت پذیرش می تواند از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد برخی از عوامل موثر در این ارتباط عبارتند از:

- میزان آسیب پذیری محیط زیست و نوع آداب و رسوم و سبک زندگی اجتماعی – فرهنگی مردم محلی
- کیفیت تجاری که گردشگران در انتخاب مقصد خود جویای آن هستند.
- منافعی که از گردشگری انتظار می رود و محدوده ای را که جامعه محلی در بر می گیرد.
- امکانات و خدمات قابل دسترسی و زیربنایی که می تواند با تقاضا روبرو شود.

در تعیین ظرفیت پذیرش و استانداردها و ضوابط مربوط به آن باید به چند نکته توجه نمود:

هر منطقه و نوع گردشگری آن منحصر به فرد می باشد و معیارهای اندازه گیری ظرفیت پذیرش باید مشخصاً برای آن منطقه تعریف شده باشد. فصلی بودن مسأله مهمی در مفهوم ظرفیت پذیرش است. سطح تحمل یا آستانه اشباع معمولاً فقط در فصل اوج و رونق گردشگری پیش می آید نه در بقیه سال و یا میانگین سالیانه. به دلیل فصلی بودن گردشگری در این دوره است که بیشترین فشار بر محیط وارد می شود. چون برای برآوردن نیازهای گردشگران باید اقامتگاه ها، تأسیسات و زیرساخت ها و تسهیلات گردشگری زیادی ایجاد شود. بخش عمده این ظرفیت در دوران رکود گردشگری هدر می رود و بدون استفاده باقی می ماند. بنابراین در تعیین ظرفیت پذیرش باید دوره اوج که تعداد گردشگران به حداکثر مقدار خود می رسد را در نظر گرفت. با راهکارهای مدیریتی بازاریابی مثل هدایت تقاضا می توان دوره اوج تقاضای گردشگری را کاهش داد و از تعداد گردشگران در این فصل کاست. این کار علاوه بر این که اثرات منفی و فشارهای محیطی را کاهش می دهد از لحاظ اقتصادی هم سودمندتر است.

تحلیل سطوح ظرفیت پذیرش نهایی باید تعادلی را بین عوامل مثبت و منفی ایجاد کند و تعداد گردشگرانی که مزایای بهینه ای را برای کشور، منطقه، جامعه محلی و خود گردشگران ایجاد می کند و رضایتمندی آن ها را در بالاترین سطح نگه می دارد، تعیین کند. تصمیم گیری باید بر اساس تحلیل هزینه - فایده صورت گیرد. سطح آسیب رسانی به محیط طبیعی و نقطه اشباع از نظر ساکنین و گردشگران متفاوت است. گردشگران ممکن است سطح شلوغی و ازدحام بیشتری را تحمل کنند. علاوه بر این ادراک ازدحام در میان فرهنگ های مختلف متفاوت است.

تعیین ظرفیت پذیرش نیازمند تحلیل هر پهنه و فعالیت در نظر گرفته شده برای آن است تا سطوح استفاده ای که برای جامعه میزبان و محل های تفریحی و بازدیدکنندگان از سطح نسبتاً خوب و قابل تحملی برخوردار است را تشخیص داده و تعیین نمود.

رویکردهای مطرح در زمینه ظرفیت پذیرش گردشگری

مفهوم ظرفیت پذیرش تعاریف زیادی دارد اما همه این تعاریف دو وجه مشترک دارند: اول، مؤلفه بیوفیزیکی که با یکپارچگی جنبه های مبتنی بر منبع مرتبط است و بر سطوح آستانه یا مدارا و بردباری تأکید دارد که پس از بهره برداری یا استفاده بیشتر ممکن است فشارهایی را بر اکوسیستم طبیعی تحمیل کند. دوم، مؤلفه رفتاری که کیفیت تجربه تفریحی را نشان می دهد. اما هنوز هیچ تعریف جهان شمول یا فرایند سیستماتیک استاندارد برای ارزیابی آن وجود ندارد. (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۶)

O'reilly (1986) از دو مکتب فکری مرتبط با ظرفیت پذیرش نام می برد. اولین مکتب فکری، ظرفیت گردشگری را توانایی ناحیه مقصد در جذب گردشگری پیش از آن که اثرات منفی گردشگری توسط جامعه میزبان احساس شود، در نظر می گیرد. بنابراین بر تعداد گردشگرانی که می خواهد و می تواند جذب کند، تأکید می کند تا تعداد گردشگرانی که می خواهند یا می توانند ترغیب شوند به ناحیه مقصد بیایند (یونگ، ۱۹۷۳).

دومین مکتب فکری که از تئوری‌های چرخه‌ها ناشی می‌شود و ظرفیت پذیرش گردشگری را به عنوان سطحی که فراتر از آن جریان‌ات گردشگر کاهش خواهد یافت؛ چون ظرفیت‌های مشخص (همان‌طور که توسط خود گردشگران ادراک می‌شود) افزایش می‌یابند، نواحی مقصد از برآوردن نیازهای آنان و جذب آن‌ها دست می‌کشند، به همین خاطر گردشگران جویای مقاصد جایگزین می‌شوند.

سومین مرحله توسعه می‌باشد (development) که این مرحله با استفاده از ظهور بازارهای مشخص و تعریف شده، افزایش در کنترل و سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش در مشارکت و کنترل محلی و تبلیغات سنگین شناخته می‌شود. مرحله‌ی بعد مرحله‌ی تحکیم است (consolidation). در این مرحله بخش عمده‌ای از اقتصاد مقصد وابسته و متکی به گردشگری می‌باشد. تسهیلات و کسب و کارهای عمده‌ی ارائه‌دهنده‌ی خدمات گردشگری در این مرحله به‌طور ویژه محل‌های اقامتی می‌باشد. در این مرحله با استفاده از فعالیتهای بازاریابی و تبلیغات دیدارکنندگان بیشتر از مسافتهای دورتر به مقصد جذب می‌شوند و فصل گردشگری طولانی‌تر می‌شود. در این مرحله بحث ظرفیت پذیرش گردشگری مطرح می‌شود و مقصد به ظرفیت پذیرش خود رسیده و تعداد دیدارکنندگان به اوج می‌رسد، در این شرایط مقصد وارد مرحله‌ی پنجم یعنی بلوغ می‌شود (stagnation). در این مرحله است که تاثیرات منفی گردشگری (اقتصادی، محیطی، و اجتماعی-فرهنگی) ظهور می‌کند. در این شرایط ضروری است که تلاشهای قابل توجهی به منظور حفظ سطوح دیدار از منابع طبیعی و فرهنگی که ممکن است تخریب شده و یا کیفیت آنها تنزل یابد انجام گیرد. بنابراین راهبردهای توسعه باید در جهت حفظ و نگه‌داری و ارتقاء این منابع باشد و با استفاده از راهبردهای بازاریابی سعی در کاهش تعداد دیدارکنندگان داشته باشیم. در این مرحله ممکن است از جذابیت مقصد کاسته شود و باید سعی در جابه‌جایی تقاضا از لحاظ مکانی و زمانی داشته باشیم.

در مرحله‌ی آخر مقصد گردشگری است که با کاهش دیدارکننده مواجه می‌شود (decline). در این نقطه مقصدها تقاضای خود را تا حدود زیادی از دست داده و

بیشتر دیدار کنندگان که از مقصد دیدار کرده اند ممکن است به آنجا مراجعه نکنند و تمایلی به دیدار مجدد از مقصد نداشته باشند. جوامعی را که به این مرحله رسیده اند دو انتخاب دارند: یا این که گردشگری را کنار گذاشته و به صنعت دیگری رو آورده اند و یا با استفاده از خلاقیت، نو آوری و مدیریت اثر بخش اقدام به جذب بازار جدید داشته و امکانات یا منابع طبیعی و فرهنگی را که تا حدودی در نتیجه ی اقدامات گذشته غیر قابل بهره برداری شده اند تجدید و باز سازی کرده اند.

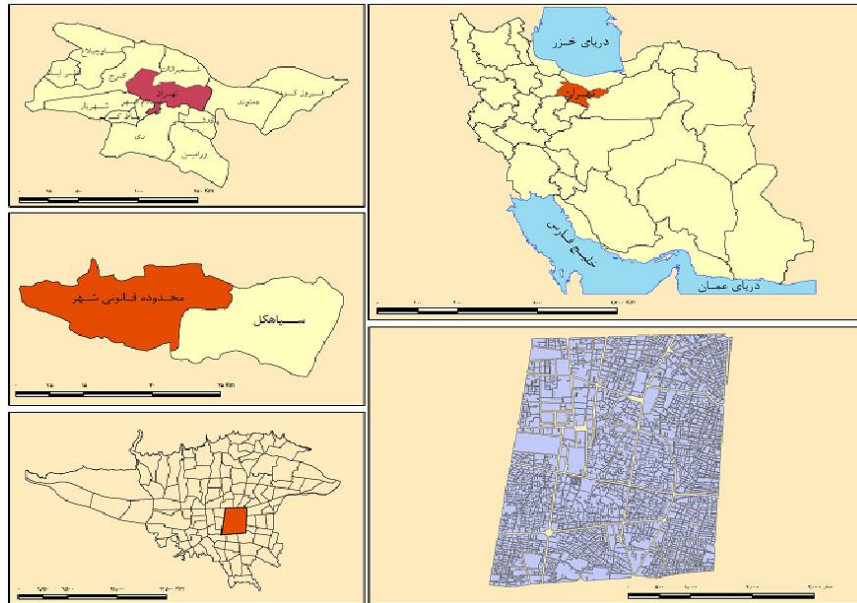
در برنامه ریزی توسعه گردشگری برای ظرفیت پذیرش دو عنصر اصلی یعنی عنصر رفتاری که مشخص کننده کیفیت تجربه ای است که بازدیدکنندگان و یا گردشگران از ناحیه تفرجگاهی بدست می آورند و عنصر بیوفیزیکی که مشخص کننده کیفیت طبیعی و فیزیکی ناحیه تفرجگاهی با توجه به رفتار گردشگران می باشد در نظر گرفته می شود. بر این اساس در روش شناسی معرفی شده توسط اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی برای برآورد ظرفیت پذیرش نواحی طبیعی برای مقاصد گردشگری سه نوع ظرفیت پذیرش یعنی ظرفیت پذیرش فیزیکی (PCC)، واقعی (RCC) و موثر، (ECC) مورد توجه قرار گرفته است (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۶).

تجزیه و تحلیل و آنالیز یافته‌ها

سنجش ظرفیت پذیرش فیزیکی - کالبدی منطقه ۱۲ تهران

- سنجش ظرفیت پذیرش فیزیکی منطقه ۱۲ تهران

همانگونه که ذکر گردید در بررسی های تخصصی امکان سنجی گردشگری و برای بارگذاری فعالیت های گردشگری یکی از مباحث مهم در این زمینه یعنی ظرفیت تحمل یا پذیرش منطقه را از دو بعد کالبدی و انسانی باید مطالعه کرد که در این مقاله محقق به تعیین و بررسی ظرفیت پذیرش کالبدی منطقه ۱۲ تهران پرداخته است. شکل ۳ مدیریت منطقه ۱۲ در پهنه سرزمینی را نشان می دهد.



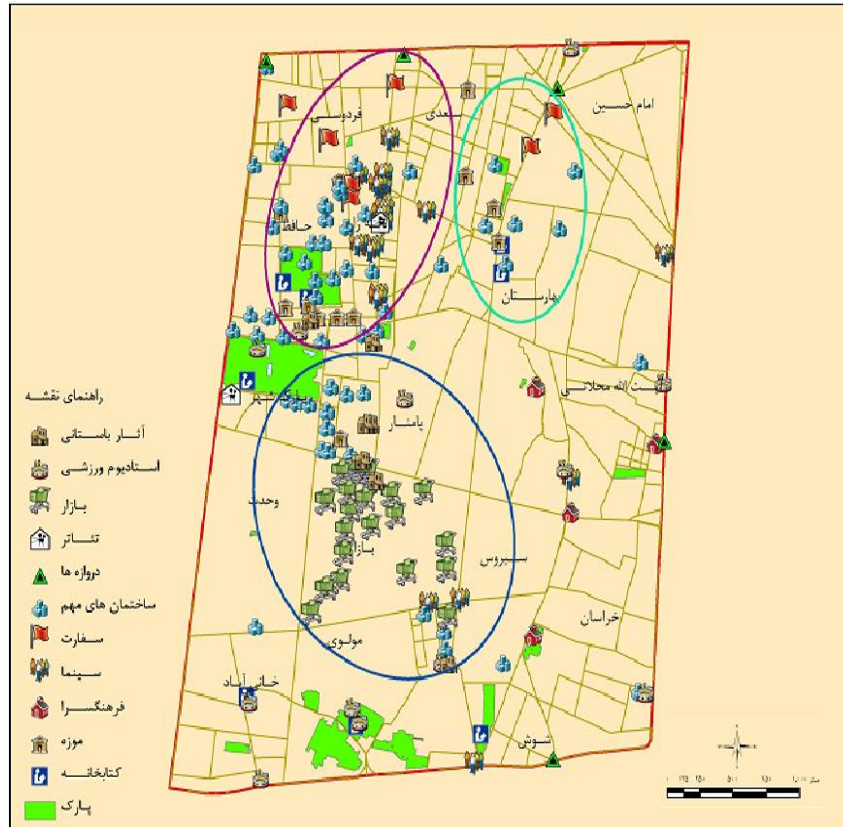
شکل شماره (۳) موقعیت منطقه ۱۲ در پهنه سرزمینی (مآخذ: نویسندگان ۱۳۸۹)

در مبحث ظرفیت پذیرش کالبدی در راستای امکان سنجی برای ایجاد و توسعه فعالیت های گردشگری به بررسی ظرفیت پذیرش فیزیکی می پردازیم. ظرفیت پذیرش فیزیکی عبارت است از حداکثر تعداد بازدیدکنندگانی که در یک زمان و مکان معین می توانند حضور فیزیکی داشته باشند. این نوع ظرفیت برای منطقه ۱۲ به صورت زیر برآورده می شود.

$A =$ مساحت کل منطقه ۱۲ ، ۱۳۵۰۳۸۸۷ متر مربع معادل ۱۳۵۰ هکتار
 $I_f =$ تعداد ساعات بازدید در هر روز از منطقه ۱۲، با توجه به نبود امکانات اقامتی مناسب در منطقه و وجود آن در مناطق شمالی منطقه تهران بیشتر از یک روز نیست (نگاهی به نتایج پرسشنامه ها نیز مؤید این امر است) که در این گزارش فرض بر ۱۰ ساعت حضور گردشگر در منطقه می باشد و متوسط زمان بازدید هر گردشگر با توجه به پیمایش های

میدانی نگارنده، پرسشنامه‌های تکمیلی و مصاحبه‌های عمقی با گردشگران، اهالی و مسئولین امر به شرح زیر می‌باشد.

طبق یافته‌های پرسشنامه و مصاحبه‌های عمقی انجام گرفته بخش اعظم گردشگرانی که از منطقه ۱۲ دیدن می‌کنند بیشتر از یک روز در منطقه اقامت نداشته و از چند منطقه پرجاذبه دیدن می‌نمایند. لازم به ذکر است با توجه به تعریف سازمان جهانی گردشگری از گردشگر (که مدت زمان حداقل اقامت را یک شبانه‌روز و حداکثر را ۶ ماه دانسته) منطقه ۱۲ از تعداد بسیار محدودی گردشگر برخوردار است و غالب افراد وارد شده به منطقه از نوع بازدیدکننده بوده نه گردشگر، غالب جاذبه‌هایی که گردشگران از آن بازدید می‌کنند شامل محدوده تاریخی ارگ تهران، کاخ گلستان، محدوده لاله زار به خاطر معماری تاریخی دوره قاجاریه و زون فراغتی و محدوده بهارستان، موزه هنرهای ملی و باغ نگارستان و ساختمان مجلس می‌باشد. البته تعداد معدودی از گردشگران از جاذبه‌هایی مانند، ساختمان‌ها و معماری منطقه دیدن می‌کنند که تعداد آنها بسیار اندک بوده و قابل ذکر نمی‌باشد. متوسط زمان بازدید یک گردشگر معمولی از منطقه ۱۲ به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد. لازم به ذکر است که اطلاعات مربوط به جاذبه‌هایی که گردشگران از آن بازدید می‌نمایند و همچنین میزان ساعاتی که گردشگران در منطقه صرف بازدید و استراحت می‌کنند از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها و همچنین تکمیل این اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمقی، بویژه با مسئولین منطقه می‌باشد.



شکل شماره (۴) توزیع فضایی جاذبه های گردشگری در منطقه ۱۲ (مآخذ: نویسندگان ۱۳۸۹)

جدول شماره (۱) بررسی مدت زمان اقامت و بازدید گردشگران در منطقه ۱۲ تهران

فعالیت‌های گردشگران	حداکثر زمان مورد استفاده	حداقل زمان مورد استفاده	متوسط زمان مورد استفاده
عبور و مرور در داخل محورها و راههای دسترسی شهر	۹۰ دقیقه	۳۰ دقیقه	۶۰ دقیقه
بازدید از زون و محدوده لاله ازر	۶۰ دقیقه	۲۰ دقیقه	۴۰ دقیقه
بازدید از زون و محدوده بهارستان	۶۰ دقیقه	۲۰ دقیقه	۴۰ دقیقه
بازدید از زون و محدوده بازار و ارگ تهران	۹۰ دقیقه	۳۰ دقیقه	۶۰ دقیقه
صرف نهار	۹۰ دقیقه	۳۰ دقیقه	۶۰
استراحت و رفع خستگی	۶۰ دقیقه	۲۰ دقیقه	۴۰ دقیقه
جمع	۷ ساعت و ۳۰ دقیقه	۲ ساعت و ۳۰ دقیقه	۵ ساعت

مأخذ: پیمایش‌های میدانی و مصاحبه‌های عمقی

بنابراین با توجه به اینکه ساعات بازدید از منطقه ۱۲ در شبانه‌روز ۱۰ ساعت بوده و متوسط زمان مورد نیاز گردشگران جهت گردش و بازدید از جاذبه‌های مختلف منطقه و استراحت و صرف نهار در حدود ۵ ساعت است که نشان از ساعات بالایی جهت بازدید از منطقه توسط گردشگران دارد که این امر باعث پایین آمدن میزان ظرفیت پذیرش گردشگر در منطقه خواهد شد. Rf منطقه ۲ ساعت خواهد بود.

$$Rf = \frac{10}{5} = 2$$

مقدار فضایی که هر گردشگر به‌طور متوسط نیاز دارد تا بتواند در منطقه ۱۲ به راحتی جابجا شده و از جاذبه‌های گردشگری آن دیدن نماید در حدود ۲ مترمربع است. بنابراین با توجه به محاسبات فوق ظرفیت پذیرش فیزیکی گردشگری منطقه ۱۲ به قرار زیر خواهد بود:

$$Pcc = A * \frac{v}{a} * Rf$$

نفر در روز $Pcc=۱۳۵۰۳۸۸۷*۱/۲*۲=۱۳۵۰۳۸۸۷$

نفر در سال $13503887*365=4928918755$

با توجه به وسعت محدوده منطقه ۱۲ و تعداد ساعات بازدید گردشگران از منطقه و همچنین حداقل فضای مورد نیاز گردشگران جهت بازدید و انجام فعالیت‌های فراغتی ظرفیت پذیرش فیزیکی گردشگری منطقه به طور متوسط در حدود ۱۳۵۰۳۸۸۷ نفر گردشگر به طور روزانه می‌باشد که این رقم در طول کل سال به بیش از ۴ میلیارد نفر می‌باشد. اما نکته‌ای که در این جا بایستی مدنظر داشت این است که این میزان ظرفیت پذیرش فیزیکی منطقه بوده و در واقع این منطقه توانایی پذیرش این تعداد گردشگر را به صورت روزانه و سالانه ندارد. و این تعداد گردشگر نمی‌تواند در برنامه‌ریزی شهری و گردشگری ملاک عمل قرار گیرد از این رو بایستی ظرفیت پذیرش واقعی و موثر منطقه نیز محاسبه گردد.

سنجش ظرفیت پذیرش واقعی منطقه ۱۲

جهت سنجش ظرفیت پذیرش واقعی منطقه ۱۲ در ابتدا بایستی کاربری اراضی منطقه را مدنظر قرار داده تا بتوان کاربری‌هایی که در آنها انجام فعالیت‌های گردشگری امکان‌پذیر از کاربری‌هایی که انجام این گونه فعالیت‌ها در آنها میسر نیست را از یک دیگر تفکیک نمود. نتیجه بررسی کاربری اراضی وضع موجود منطقه ۱۲ نشان می‌دهد که متأسفانه این منطقه نیز به مانند غالب مناطق گردشگرپذیر کشور از فضای بسیار محدودی جهت پوشش دادن به نیازهای فراغتی، تفریحی و تفرجی گردشگران برخوردار است. همان‌گونه که در جدول کاربری اراضی منطقه مشهود است فضاهایی که در منطقه ۱۲ به گردشگری اختصاص داده شده است در حدود ۹۵۲۱۷ متر مربع به کاربری گردشگری و پذیرایی اختصاص یافته است این میزان یک درصد از اراضی منطقه را به خود اختصاص داده است از دیگر اراضی منطقه که مورد استفاده گردشگران قرار می‌گیرد بوستانها و فضای سبزمناطق می باشد که ۶۸۲۴۱۱ متر مربع حدود ۵ درصد از کاربری منطقه را به خود اختصاص داده است.

عوامل محدودکننده ظرفیت پذیرش منطقه ۱۲ عبارتند از:

۱= عامل محدودکننده کاربری اراضی منطقه

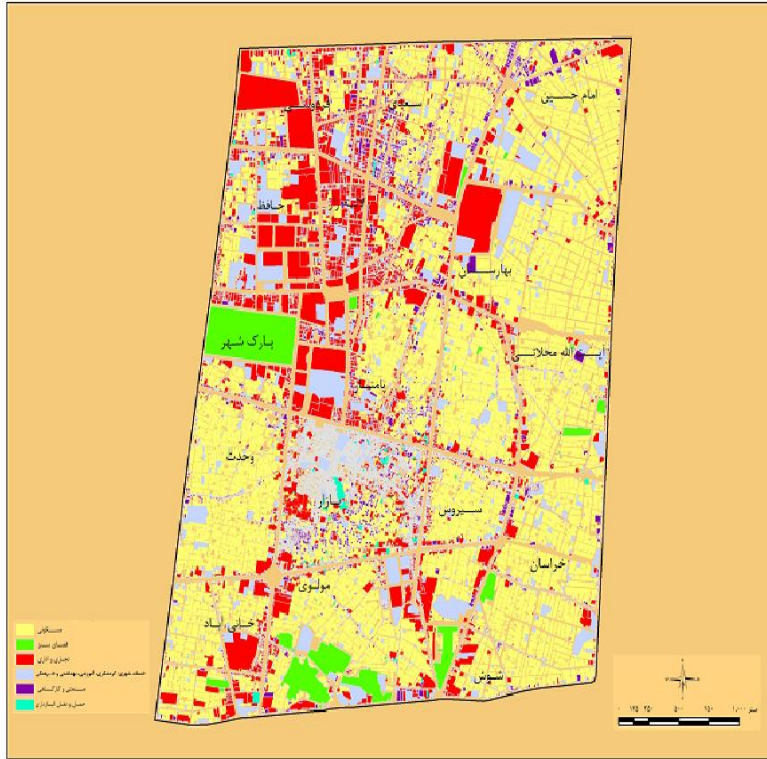
مجموع محدوده منطقه ۱۲ تهران مساحتی در حدود ۱۳۵۰۳۸۸۷ متر مربع را در بر می‌گیرد و به کاربری‌های مختلف شهری اختصاص یافته است و بخش عمده این کاربری‌ها اراضی مسکونی و تجاری - اداری و... بوده که امکان استفاده توسط گردشگران را نداشته و تنها قسمتی از اراضی منطقه که مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرد محدوده تاریخی - فرهنگی - گردشگری منطقه است که مساحتی در حدود ۷۵۷۶۲۸ متر مربع است. بخشی از این محدوده نیز به سایر کاربری‌ها اختصاص یافته و یا به صورت تعطیل می‌باشد که نمونه‌های آن در زون لاله زار و حوزه بازار بسیار زیاد است که قابلیت استفاده جهت فعالیت‌های گردشگری را ندارد. این اراضی شامل اراضی مسکونی، تجاری و اداری می‌باشد در مجموع این اراضی دارای ۱۸۹۴۰۷ متر مربع مساحت است. پس مساحت کاربری‌های دارای عملکرد گردشگری شامل مساحت محدوده فرهنگی تاریخی منهای کاربری‌های فاقد فعالیت‌های گردشگری است. یعنی ۵۶۸۲۲۱ متر مربع، از این رو مساحت کل کاربری‌های فاقد گردشگری در منطقه ۱۲ عبارت است از:

متر مربع ۱۲۹۳۵۶۶۶ = مساحت کاربری‌های فاقد گردشگری ۰,۹۵۷

$$\frac{12935666}{13503877} = 0/957$$

از تقسیم مساحت کاربری‌های فاقد گردشگری بر کاربری‌های گردشگری می‌توان عامل محدودکننده مربوط به کاربری اراضی منطقه را محاسبه نمود بنابراین حاصل محاسبه عامل محدودیت مربوط به کاربری اراضی منطقه به صورت زیر می‌باشد.

$$۹۵/۷ = ۱۰۰/۷ * ۰/۹۵۷$$



شکل شماره (۵) نقشه کاربری اراضی منطقه ۱۲ (مآخذ: نویسندگان ۱۳۸۹)

۱- عامل محدود کننده تعداد روزهای بارانی شدید

از کل ۳۶۵ روز سال در منطقه ۱۲ به طور متوسط حدود ۱۶ روز بارندگی شدید وجود دارد که امکان انجام فعالیت‌های گردشگری میسر نمی‌باشد .

$$CF = \frac{m}{M} * 100$$

$$CF = \frac{16}{365} \times 100 = 4/38$$

۲- عامل محدودکننده تعداد روزهای آفتابی شدید

از کل روزهای سال، ۶۸ روز در منطقه ۱۲ دارای آفتاب شدید می‌باشد که عملاً فعالیت‌های گردشگری مگر به صورت جزئی و پراکنده امکان‌پذیر نمی‌باشد

$$CF = \frac{68}{365} \times 100 = 18.63$$

۳- عامل محدودکننده تعداد روزهای یخبندان شدید و زمین پوشیده شده از برف

پدیده یخبندان در منطقه ۱۲ حدود ۱۵ روز در سال رخ می‌دهد. زمستان منطقه ۱۲ مجموعاً ۱۵ روز یخبندان دارد که ۱۰ روز آن در دی‌ماه، ۵ روز آن در بهمن ماه اتفاق می‌افتد. همان طور که در این پژوهش ذکر گردید منطقه ۱۲ از اوایل زمستان تا اواسط زمستان از وضعیت گردشگری چندان مناسبی برخوردار نمی‌باشد.

$$CF = \frac{15}{365} \times 100 = 4.1$$

با توجه به مجموعه CF هایی که بدست آمده میزان ظرفیت پذیرش واقعی منطقه ۱۲ بصورت زیر برآورد می‌شود.

$$Rcc = Pcc * \frac{100-cf1}{100} * \frac{100-cf2}{100} * \frac{100-cf3}{100} * \frac{100-cf4}{100}$$

$$Rcc = 135.03887 * \frac{100-95/7}{100} * \frac{100-4/38}{100} * \frac{100-18/63}{100} * \frac{100-4/1}{100}$$

$$Rcc = 135.03887 * 0.043 * 0.9562 * 0.1137 * 0.959$$

$$Rcc = 43327.0 \text{ نفر در روز}$$

$$Rcc = 15814355.0 \text{ نفر در سال}$$

سنجش ظرفیت پذیرش موثر منطقه ۱۲

این نوع ظرفیت به حداکثر بازدیدکنندگان از یک مکان که مدیریت موجود توانمندی اداره آن را به صورت پایدار دارد گویند

$$Ecc = Rcc * \frac{100 - FM}{100}$$

$$FM = \frac{Imc - Amc}{Imc} * 100$$

تعداد نیروی انسانی ایده‌آل برای مدیریت پایدار گردشگری منطقه ۱۲ = IMC

تعداد نیروی انسانی موجود = AMC

ظرفیت مدیریتی منطقه ۱۲ با توجه به تعداد نیروی انسانی فعال در زمینه فعالیت‌های پایدار گردشگری به صورت تعداد پرسنل حوزه گردشگری موجود در شهرداری منطقه ۱۲ در زمینه فعالیت‌های گردشگری به صورت زیر می‌باشد:

وجود افراد علمی و تکنیکی در رابطه با مدیریت توسعه گردشگری در منطقه ۱۲؛ تعداد پرسنل موجود در شهرداری منطقه ۱۲ در حدود ۵ نفر بوده، این در حالی است که بنابر گفته کارشناسان این نهاد مدیریتی برای مدیریت پایدار فعالیت‌های گردشگری در منطقه ۱۲ به حداقل ۳۰ نفر نیروی متخصص نیاز است.

$$FM = \frac{30-5}{30} \times 100 = 83/3$$

$$Ecc = 433270 \times \frac{100-83/3}{100}$$

$$Ecc = 433270 * 0.167 = 72356$$

$$ECC = 72356 * 365 = 26409940$$

بر اساس آمار شهرداری، منطقه ۱۲ در طی سالهای گذشته به طور متوسط بیش از یک میلیون بازدید کننده سالانه در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی جذب نموده و انتظار می‌رود حجم این تعداد با توجه به شناخته شدن این منطقه افزایش یابد. بنابر آمارهای مذکور فصل رونق بازدید از منطقه ۱۲ بهار و تابستان بوده و حجم عظیمی از بازدید کنندگان در فصل بهار بویژه فروردین ماه و اردیبهشت ماه از این منطقه دیدن می‌کنند. به گونه‌ای که در برخی از روزها بیش از ۲۰۰ هزار نفر از منطقه ۱۲ بازدید کرده اند. در حالی که مطابق با محاسبات انجام گرفته. ظرفیت پذیرش گردشگری واقعی منطقه ۱۲ معادل ۴۳۳۲۷۰ نفر در روز می‌باشد. این محاسبات نشان می‌دهد که ظرفیت پذیرش موثر منطقه سالانه کمتر از تعداد گردشگران ورودی سالانه به منطقه می‌باشد.

نتیجه گیری

در این مقاله به تجزیه و تحلیل و آنالیز یافته‌ها در راستای سنجش ظرفیت تحمل گردشگری شهر منطقه ۱۲ تهران از بعد کالبدی - محیطی پرداخته شد و با توجه به مدل مفهومی پژوهش، ابتداء ظرفیت پذیرش گردشگری شهر منطقه ۱۲ تهران از ابعاد کالبدی - فیزیکی بر طبق مدل اتحادیه جهانی حفاظت از محیط زیست در سه بعد فیزیکی، واقعی و موثر محاسبه گردید.

نتیجه این محاسبات نشان می‌دهد که حجم گردشگران ورودی در ایام پررونق گردشگری بیش از ظرفیت پذیرش موثر این شهر است.

نتیجه کلی این بخش از مطالعات نشان می‌دهد که مقصد گردشگری شهر منطقه ۱۲ تهران به علت هجوم گردشگران به این مقصد در یک چرخه ناقص به مرحله بلوغ رسیده است. هر چند که تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری این مقصد هنوز در مرحله اکتشاف قرار دارد. این مقصد در مرحله‌ای قرار گرفته است که به تدریج آثار مخرب محیطی و اجتماعی - اقتصادی آن از سوی گردشگران درک می‌شود. نتیجه بدست آمده از مدل تحقیق نیز تایید نموده که حجم گردشگران ورودی به منطقه ۱۲ تهران بیش از ظرفیت پذیرش این شهر می‌باشد. در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بدلیل حجم ورودی گردشگران بیش از ظرفیت پذیرش کالبدی این مقصد گردشگری، جامعه میزبان نیز تاثیرات نامطلوب و منفی گردشگری را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی کالبدی احساس نموده‌اند. از دیگر سو کیفیت تجربه گردشگری نیز در منطقه ۱۲ شهر تهران رو به کاهش است و تنها وجود جاذبه‌های با اهمیت در این شهر باعث جذب گردشگران به این مقصد گردشگری شده است و امکانات و تسهیلات مناسب گردشگری نتوانسته است نقش مناسبی در این میان ایفاء نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- انوری آریا مینا و نساج مینا، (۱۳۸۶): بررسی و تبیین نقش صنعت جهانگردی در فضاهای شهری، همایش منطقه‌ای جغرافیا، گردشگری و توسعه پایدار، اسلامشهر.
- ۲- برآبادی، محمود، (۱۳۸۴): الفبای شهر، تهران، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- ۳- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی، (۱۳۸۲): نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- پایگاه میراث فرهنگی شهر تهران، (۱۳۸۷): اطلاعات گردشگری شهر تهران.
- ۵- چاک دای، گی و همکاران، (۱۳۷۷): جهانگردی در چشم‌اندازی جامع، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۷): مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی «سمت».
- ۷- زاهدی شمس السادات، (۱۳۸۲): چالش‌های توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم، مجله مدرس: علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۳.
- ۸- طبیبیان منوچهر، ستوده احد، شایسته کامران، چلبیانلو رضا، (۱۳۸۶): جستاری بر مفاهیم و روش‌های برآورد کمی ظرفیت برد و ارائه یک نمونه کاربردی بر پایه تجربه برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری دره عباس-آباد - گنج‌نامه همدان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹.
- ۹- علیزاده کتایون، (۱۳۸۲): اثرات حضور گردشگران بر منابع زیست‌محیطی، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۴.
- ۱۰- لی جان، (۱۳۷۸): گردشگری و توسعه در جهان سوم، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و معصومه‌السادات صالحی امین، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

- ۱۱- مایکل هال، کالین و جنکینز جان، ام، (۱۳۷۸): سیاستگذاری جهانگردی، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۱۲- مخدوم مجید، (۱۳۸۳): درسنامه ارزیابی ظرفیت برد، دوره دکتری برنامه-ریزی محیط زیست، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵): اطلاعات جمعیتی شهر تهران، تهران.
- ۱۴- منصوری علی، (۱۳۸۱): گردشگری و توسعه پایدار، مجله آموزش رشد جغرافیا، شماره ۶۳.
- ۱۵- نهرلی داوود، رضایی سحر، (۱۳۸۱): بررسی و معرفی ظرفیت برد تفرجگاهی، مجله محیط شناسی شماره ۲۹.

Abernethy, V. d. (2001): *Carrying capacity: the tradition and policy implications of limits*. Ethics in Science and Environmental Politics ESEP, 23, 9-18

Ainhoa Urtasun, Isabel Gutiérrez, (2006): *Tourism agglomeration and its impact on social welfare: An empirical approach to the Spanish case*, Tourism Management, Volume 27, Issue 5, Pages 901-912.

Baud-Bovy, L. and Lawson, F. (1998): *Tourism and recreation, Handbook of Planning and Design*. Architectural press.

Buckly, P. 706 Buckley R. (1999): An *ecological perspective on carrying capacity*, Annals of Tourism Research, 26 (3), 705-708.

Butler, R. W, (2000): *Ecotourism-Has it Achieved Maturity or Has the Bubble Burst?*, Keynote Address, Pacific Rim Tourism, Rotorua, Zealand.

Cocoosis H, Maxa A. Defining, (2002): *Measuring and evaluating carrying capacity in European tourism destination*. Greece, University of the Aegean.

D. Sun, D. Walsh, (1998): *Review of studies on environmental impacts of recreation and tourism in Australia*, Journal of Environmental Management, Volume 53, Issue 4, Pages 323-338.

Fernando J. Garrios Simon, Yeamduan Narrangajavana, and Daniel Palacios Marques, (2004): *carrying capacity in tourism industry: a case study of Hengistbury head*. Tourism management. 275-283.

Hall, c. M. and s. J. page (1999): *The geography of tourism and recreation. Environment, Place and Space*, Routledge, London.

Hall, P (1993): Toward *Sustainable, Livable and Innovative Cities for 21 st. century*, in proceeding of the third Conference of the Word Capitals, Tokyo.

Inskeep, E (1991): *Tourism planning. An Integrated and sustainable Development approach*. Van Nostrand reinhold, New York.

Inskeep, E(1987): *Environmental planning for tourism, Annals of Tourism Research*, Volume 14, Issue 1, Pages 118-135.

Lawson F. R. (1998): *Hotels and resorts: Planning, design and refurbishment*. Butter Worth-Heinemann, Oxford.

Mathieson, A., & Wall, G. Tourism (1982): *Economic, physical and social impacts*. New York: Longman.

Mc Kercher. B, (1993): *Some Fundamental Truths about Tourism: understanding tourisms social and environmental impacts*. Journal of sustainable tourism.

Mukomo , S(1996): On sustainable urban development in Sub-Suburban Africa, Cities , Vol13 , No 40.

O'Reilly, A. M. (1986): *Tourism carrying capacity: concepts and issues*. Tourism Management, 154-167.

Papageorgio, K, and Brotherton, I. (1999): *A Management planning framework based on ecological, perceptual and economic carrying capacity*: the case study of Vicos-Aoos National Park. Greece journal of Environmental Management, 271-284.

Saveriades, A.(2000): *Establishing the social tourism carrying capacity for the tourist resorts of the east coast of the Republic of Cyprus* , Tourism management.

Shelby, B. (1987): *Carrying capacity in recreational settings*. Oregon: Oregon State University Press.